

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

دلیل سوّم نافین: اجماع

بحث در ادله نافین بود، تا به حال، دو دلیل از ادله اینها، که آیات و روایات بود را بررسی کردیم؛ و روشن شد که نه آیات شریفه و نه روایات، دلالت بر عدم حجیت خبر واحد ندارند. دو دلیل دیگر باقی مانده، یکی عبارت از اجماع است. مرحوم سید مرتضی در صفحه‌ی 528 از جلد 2 کتاب الذریعه بر عدم حجیت خبر واحد ادعای اجماع کرده، و بالاتر از این، فرموده است همانطوری که معروف از مذهب شیعه این است که قیاس باطل است، خبر واحد نیز همینطور است. معروف از مذهب شیعه این است که خبر واحد حجیت ندارد. نافین می‌گویند اجماع ادعایی مرحوم سید برای ما دلیل است؛ و این را به عنوان یکی از ادله‌ی عدم حجیت خبر واحد قرار داده‌اند.

پاسخ مرحوم آخوند از دلیل سوّم نافین

مرحوم آخوند (قدس سره) از این دلیل، در کتاب کفایه مجموعاً چهار جواب داده‌اند. **جواب اول** این است که اگر مقصود از اجماع، اجماع محصل است که این غیر حاصل است؛ تحصیلش امکان ندارد؛ و چنین نبوده که مرحوم سید تمام آرای علمای امامیه زمان خودش را تحصیل کرده و به اجماع رسیده باشد. و برای خود ما هم تحصیل آرای علما امکان ندارد. بنابراین، اجماع، اگر اجماع محصل است، این تحصیلش ممکن نیست و حاصل نیست. و اگر مراد، اجماع منقول است، اجماع منقول چند اشکال دارد. **اشکال اول** این است که اجماع منقول فی حدّ نفسه حجیت ندارد و در جای خودش ثابت شده که اجماع منقول فی حدّ نفسه از ادله‌ی ظنیه‌ای است که دلیل بر اعتبارش نداریم. **اشکال دوم** این است که اجماع منقول در مانحن فیه مستلزم محال است؛ برای این که خود اجماع منقول یکی از مصادیق خبر واحد است؛ یعنی سید مرتضی برای ما نقل اجماع کرده است که این کلام ایشان برای ما خبر واحد می‌شود. آیا با اجماع منقولی که خود از مصادیق خبر واحد است، می‌توانیم بر عدم حجیت خبر واحد استدلال کنیم؟ ما روی دو فرض در اینجا باید بررسی کنیم. یک فرض این که، خبر واحد حجت باشد؛ و فرض دیگر آن که خبر واحد حجت نیست. روی هر دو فرض محال لازم می‌آید. اگر به نحو کبرای کلی گفتیم خبر واحد حجت است، در این صورت، این اجماع منقول به عدم حجیت خبر واحد نیز از مصادیق خبر واحد است و باید حجت باشد؛ اگر حجت بود، محتوایش عدم حجیت خبر واحد است، و در نتیجه، باید همین اجماع، مبطل خودش باشد و چیزی که بخواهد ابطال خودش بکند، محال است؛ لازم می‌آید از وجودش عدم. و اگر هم فرض گرفتیم خبر واحد حجت نیست. این اجماع منقول به خبر واحد از مصادیق خبر واحد است و حجیت ندارد؛ به عبارت دیگر، تحصیل حاصل لازم می‌آید.

اشکال سوم این است که این اجماع منقول مبتلای به معارض است. شیخ طوسی (علیه الرحمة) در صفحه‌ی 47 از جلد 1

کتاب عدّة الاصول ادّعی اجماع بر حجّیت خبر واحد کرده است. پس، این اجماعی که مرحوم سید ادعا کرده، با اجماعی که مرحوم شیخ ادعا کرده است، معارضه دارد. اینجا می‌شود مناقشه‌ای وارد کرد و آن این که وقتی به کتاب عدّه مراجعه می‌کنیم (به همان آدرس) شیخ طوسی چند شرط آورده است، این که راوی امامی باشد و مطعون در روایت نباشد؛ آدمی نباشد که مورد طعن بزرگان قرار گرفته باشد. در نقلش هم آدم ضابط و محکمی باشد. حالا آیا با وجود این شرایط می‌شود گفت اجماعی که مرحوم سید آورده است با اجماع مرحوم شیخ طوسی معارضه دارد. به عبارت دیگر، سید مرتضی در الذریعه می‌گوید خبر واحد محفوف به قرائن را معتبر می‌دانیم؛ نزاع در خبر واحد محفوف به قرائن است؛ و شاید این **لا یطعن فی روایتیه و سدیداً فی نقله** از همان قرائن باشد. بنابراین، یک محل تأمل و اشکالی وجود دارد که نتیجه این بشود ما نمی‌توانیم اجماع ادّعی مرحوم شیخ طوسی را معارض با اجماع مرحوم سید قرار بدهیم. **اشکال چهارم**، مرحوم آخوند می‌فرمایند: این اجماع سید اصلاً موهون است؛ برای این که اگر اقوال قدما را بررسی کنیم، کثیری از قدما قائل به حجیت خبر واحد هستند. به عبارت دیگر، در زمان خود مرحوم سید این اجماع مخالفین فراوانی داشته است. چطور با وجود این همه مخالفین، مرحوم سید ادّعی اجماع کرده است. این اشکالاتی است که مرحوم آخوند بر اجماع وارد کرده است؛ اکثر بزرگان نیز همین اشکالات را پذیرفته‌اند.

کلام مرحوم محقق نائینی

اینجا یک نکته‌ای در کلام مرحوم محقق نائینی وجود دارد. ایشان در کتاب فوائد الاصول فرموده است: خبر واحد دو اصطلاح دارد؛ یک اصطلاح، خبر واحد در مقابل خبر متواتر و خبر محفوف به قرینه است. اصطلاح دوم، خبر واحد در مقابل خبر موثق است؛ یعنی مرادشان از خبر واحد خبر ضعیف است. مرحوم شیخ طوسی در مسئله‌ی تعارض خبرین که اگر دو خبر باهم تعارض کردند و أحدهما بر دیگری رجحان پیدا کند، یعنی یکی راجح است و دیگری مرجوح، می‌گوید: **لا نعمل بالخبر المرجوح** بعد تعلیل آورده و می‌گوید **لأنّه خبر واحد**، معلوم می‌شود که مقصود از خبر واحد در آنجا یعنی خبر ضعیف در مقابل خبر موثق. اینجا بر خبر مرجوح، خبر واحد اطلاق کرده است؛ در نتیجه، بگوییم بین اجماع سید و اجماع شیخ قابل جمع است. مرحوم شیخ که می‌گوید بر حجیت خبر واحد اجماع داریم، مرادش خبر واحد در مقابل خبر متواتر است، و مرحوم سید که می‌گوید اجماع داریم بر عدم حجیت خبر واحد، مرادش خبر واحد در مقابل خبر موثق است؛ یعنی این اخبار ضعیفی که داریم برای ما حجیت ندارد. این کلام و مطلب مرحوم نائینی است؛ مرحوم آقای خوئی نیز این را آورده است که با این بیان، جمع بین این دو اجماع می‌شود، و تعارض بین آن‌ها کنار می‌رود.

بیان مرحوم محقق بروجردی

مرحوم آقای بروجردی مطلب اضافه‌ای دارند؛ و آن این فرمودند: مرحوم سید در صدد ردّ اخبار جعلی عند العامه بوده است؛ عامه در زمان سید برای فتاوی خودشان به اخبار جعلی بی‌اعتبار تمسک می‌کردند؛ ایشان هم که می‌خواست اینها را رد کنند، به اجماع تمسک کرده است. تقریباً یک عنوان جدلی دارد. پس، مقصود سید هم اخبار موجودی در کتب امامیه اصلاً نبوده و مقصودشان اخبار عامه‌ای بوده که روایتش عامی هستند، و عامه به آنها استدلال می‌کردند. این هم نکته‌ای است که مرحوم آقای بروجردی اضافه دارند. مرحوم شیخ نیز در کتاب رسائل همین حرف‌هایی که مرحوم آخوند دارند، ایشان هم دارد؛ مطلب اضافه‌ای نیست. نتیجه این می‌شود که اگر از شما سؤال کنند اجماع داریم بر عدم حجیت خبر واحد، این چهار جوابی که در اینجا بیان کردیم، به علاوه‌ی این دو نکته‌ی بسیار خوبی که مرحوم نائینی و مرحوم محقق بروجردی در صفحه‌ی 104 از جلد 2 حاشیه کفایه عنوان فرمودند.

دلیل چهارم نافین: عقل

آخرین دلیل نافین حجیت خبر واحد، دلیل عقل است. در دلیل عقل، همان بیانی است که ابن قبه دارد؛ مبنی بر آن که اگر یک خبری بیاید دلالت بر وجوب یک چیزی بکند، در حالی که در لوح محفوظ حرمت است، مستلزم تحریم حلال و تحلیل حرام است. عمل به خبر واحد چنین استلزامی دارد. و چون در سال گذشته بحثش را مفصل ذکر کردیم در بحث جمع بین حکم واقعی و ظاهری، دیگر تکرار نمی‌کنیم؛ جوابش همان جواب‌های گذشته است. فقط آقایانی که می‌خواهند مراجعه کنند، مرحوم شهید حاج آقا مصطفی (رض) در کتاب تحریرات می‌فرمایند: غیر از آن دلیل عقلی که در اول بحث امکان تعبد به ظن مطرح شد، در خصوص تعبد به خبر، یک نکته‌ی اضافه وجود دارد که خود آقایان به آنجا مراجعه کنند. تا اینجا ادله نافین را تماماً بررسی کردیم، و معلوم شد که تمام اینها مخدوش است؛ اما آنچه که مهم است، این است که مجرد ردّ دلیل نافین برای حجیت خبر واحد کافی نیست؛ باید ببینیم دلیل حجیت خبر واحد چیست؟ و این بحث بسیار مهمی است، خصوصاً این که ما از ادله‌ی حجیت خبر واحد در چه دائره‌ای استفاده می‌کنیم؟ آیا خبر واحد فقط در احکام حجت است، در اعتقادات حجت نیست؛ در موضوعات خارجیه حجیت دارد یا ندارد؟ این بحث، بحث بسیار مهمی است. قائلین به حجیت خبر واحد نیز به ادله‌ی اربعه استدلال کردند. - (همانطور که قبلاً گفتیم طبق ترتیب مرحوم آخوند در کفایه پیش می‌رویم) - اولین دلیلشان آیات قرآن است.

دلیل اول قائلین به حجیت خبر واحد: آیات قرآن

اینها به چندین آیه از آیات قرآن بر حجیت خبر واحد استدلال کردند؛ مهم‌ترین آیات آیه‌ی نبأ است که در سوره مبارکه حجرات آمده است. در آیه ششم آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحِرُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ». به این آیه‌ی شریفه برای حجیت خبر واحد استدلال شده است. مرحوم آخوند در حاشیه رسائل شش بیان برای استدلال به این آیه شریفه آورده‌اند. مرحوم امام در کتاب معتمد الاصول چهار بیان آورده‌اند که مهم‌ترین این بیان‌ها، دو بیان است. یکی استدلال به آیه از راه مفهوم شرط است و دوم استدلال به آیه از راه مفهوم وصف است؛ که این را در کتاب رسائل و اصول الفقه خوانده‌اید؛ حالا یک تأملی بفرمایید، به حاشیه رسائل مرحوم آخوند نیز مراجعه کنید؛ تا فردا ان شاء الله.